خدا از طریق پسرش صحبت کرد

[1]خدا، که در زمانِ سَلَف به اقسام متعدّد و طریق‌های مختلف بوساطت انبیا به پدران ما تکلّم نمود،[2]در این ایّام آخر به ما بوساطت پسر خود متکلّم شد، که او را وارث جمیع موجودات قرار داد، و به‌وسیلهٔ او عالمها را آفرید؛[3]که فروغ جلالش و خاتم جوهرش بوده و به کلمهٔ قوّت خود حامل همهٔ موجودات بوده، چون طهارت گناهان را به اتمام رسانید، به دست راست کبریا در اعلی‌علّیّین بنشست؛[4]و از فرشتگان افضال گردید، به مقدار آنکه اسمی بزرگتر از ایشان به میراث یافته بود.

[5]زیرا به کدام یک از فرشتگان هرگز گفت که: تو پسر من هستی، من امروز تو را تولید نمودم؟ و ایضاً: من او را پدر خواهم بود و او پسر من خواهد بود؟[6]و هنگامی که نخست‌زاده را باز به جهان می‌آورَد، می‌گوید که: جمیع فرشتگان خدا او را پرستش کنند.[7]و در حقّ فرشتگان می‌گوید که: فرشتگان خود را بادها می‌گرداند و خادمان خود را شعلهٔ آتش.[8]امّا در حقّ پسر نیز می‌گوید: ای خدا، تخت تو تا ابدالآباد است و عصای ملکوت تو عصای راستی است.[9]عدالت را دوست و شرارت را دشمن می‌داری؛ بنابراین خدا، خدای تو، تو را به روغن شادمانی بیشتر از رفقایت مسح کرده است.[10]و: تو، ای خداوند، در ابتدا زمین را بنا کردی و افلاک مصنوع دستهای تو است.[11]آنها فانی، لکن تو باقی هستی، و جمیع آنها چون جامه مندرس خواهد شد،[12]و مثل ردا آنها را خواهی پیچید و تغییر خواهند یافت. لکن تو همان هستی و سالهای تو تمام نخواهد شد.[13]و به کدام یک از فرشتگان هرگز گفت: بنشین به دست راست من تا دشمنان تو را پای‌انداز تو سازم؟[14]آیا همگی ایشان روح‌های خدمتگزار نیستند که برای خدمت آنانی که وارث نجات خواهند شد، فرستاده می‌شوند؟

الله أوحى نفسه في الإبن وأجلسه عن يمينه

[1]اَللهُ، بَعْدَ مَا كَلَّمَ الآبَاءَ بِالأَنْبِيَاءِ قَدِيماً بِأَنْوَاعٍ وَطُرُقٍ كَثِيرَةٍ،[2]كَلَّمَنَا فِي هَذِهِ الأَيَّامِ الأَخِيرَةِ فِي ابْنِهِ الَّذِي جَعَلَهُ وَارِثاً لِكُلِّ شَيْءٍ، الَّذِي بِهِ أَيْضاً عَمِلَ الْعَالَمِينَ.[3]الَّذِي، وَهُوَ بَهَاءُ مَجْدِهِ وَرَسْمُ جَوْهَرِهِ وَحَامِلٌ كُلَّ الأَشْيَاءِ بِكَلِمَةِ قُدْرَتِهِ، بَعْدَ مَا صَنَعَ بِنَفْسِهِ تَطْهِيراً لِخَطَايَانَا جَلَسَ فِي يَمِينِ الْعَظَمَةِ فِي الأَعَالِي[4]صَائِراً أَعْظَمَ مِنَ المَلاَئِكَةِ بِمِقْدَارِ مَا وَرِثَ اسْماً أَفْضَلَ مِنْهُمْ.

[5]لأَنَّهُ لِمَنْ مِنَ المَلاَئِكَةِ قَالَ قَطُّ: "أَنْتَ ابْنِي، أَنَا الْيَوْمَ وَلَدْتُكَ"، وَأَيْضاً: "أَنَا أَكُونُ لَهُ أَباً وَهُوَ يَكُونُ لِيَ ابْناً"؟[6]وَأَيْضاً مَتَى أَدْخَلَ الْبِكْرَ إِلَى الْعَالَمِ يَقُولُ: "وَلْتَسْجُدْ لَهُ كُلُّ مَلاَئِكَةِ اللهِ".[7]وَعَنِ المَلاَئِكَةِ يَقُولُ: "الصَّانِعُ مَلاَئِكَتَهُ رِيَاحاً وَخُدَّامَهُ لَهِيبَ نَارٍ".[8]وَأَمَّا عَنْ الابْنِ: "كُرْسِيُّكَ، يَا أَللهُ، إِلَى دَهْرِ الدُّهُورِ، قَضِيبُ اسْتِقَامَةٍ قَضِيبُ مُلْكِكَ،[9]أَحْبَبْتَ الْبِرَّ وَأَبْغَضْتَ الإِثْمَ، مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ مَسَحَكَ اللهُ، إِلَهُكَ، بِزَيْتِ الابْتِهَاجِ أَكْثَرَ مِنْ شُرَكَائِكَ".[10]وَ: "أَنْتَ، يَا رَبُّ، فِي الْبَدْءِ أَسَّسْتَ الأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتُ هِيَ عَمَلُ يَدَيْكَ،[11]هِيَ تَبِيدُ وَلَكِنْ أَنْتَ تَبْقَى، وَكُلُّهَا كَثَوْبٍ تَبْلَى[12]وَكَرِدَاءٍ تَطْوِيهَا فَتَتَغَيَّرُ، وَلَكِنْ أَنْتَ، أَنْتَ وَسِنُوكَ لَنْ تَفْنَى".[13]ثُمَّ لِمَنْ مِنَ المَلاَئِكَةِ قَالَ قَطُّ: "اجْلِسْ عَنْ يَمِينِي حَتَّى أَضَعَ أَعْدَاءَكَ مَوْطِئاً لِقَدَمَيْكَ".[14]أَلَيْسَ جَمِيعُهُمْ أَرْوَاحاً خَادِمَةً مُرْسَلَةً لِلْخِدْمَةِ لأَجْلِ الْعَتِيدِينَ أَنْ يَرِثُوا الْخَلاَصَ؟